

آرمیتا گراوند و محدودیت های رسانه ای روایت اول

عباس عبدي

پس از وضعیتی که هفته گذشته و در مترو برای دختر جوان آرمیتا گراوند رخ داد، دوباره حدس و گمان‌ها درباره علت بروز این وضع اوج گرفت و این پرسش را مطرح کرد که چرا با چنین وضعیت خبری مواجه هستیم؟ در يك گروه تلگرامی که ده‌ها تن افراد صاحب‌نظر در آنجا هستند، چند نفری بر این گزاره تاکید کردند که «روایت اول» را هر کس گفته برنده است و پس از آن سخت است که این روایت را بتوان تغییر داد و حکومت در ارایه روایت اول ضعیف عمل می‌کند. به ذهنم آمد که این نظر را در عرصه عمومی نقد کنم، زیرا یکی از علل وضعیت ورشکستگی نظام رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی ایران وجود همین رویکردهاست. چرا؟ فرض کنیم که روایت رسمی از این رویداد صد درصد درست باشد. یعنی این دختر خانم مواجه با هیچ تذکر یا مشکل بیرونی مرتبط با حجاب نشده و صرفاً به علت افت فشار به زمین افتاده و سرش به جای نامناسبی اصابت کرده و به کما رفته است. فرض کنیم که برای جلوگیری از تبلیغات نادرست، صدا و سیما یا ایرنا یا روزنامه ایران و کیهان و همشهری و فارس و تسنیم، همین روایت رسمی را منتشر می‌کردند. آیا مساله حل می‌شد؟ قطعاً مساله بدتر می‌شد، زیرا اولین پرسش برای مخاطب این است که چرا چنین خبری با این سرعت منتشر شده است؟ حتماً کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. ((متن کامل این مطلب را با کلیک بر روی لینک زیر در سایت سازمان معلمان ایران/#سخن-معلم/ بخوانید.)) [/https://www.iranto.ir/48510-2](https://www.iranto.ir/48510-2)

روایت اول

عباس عبدي

پس از وضعیتی که هفته گذشته و در مترو برای دختر جوان آرمیتا گراوند رخ داد، دوباره حدس و گمان‌ها درباره علت بروز این وضع اوج گرفت و این پرسش را مطرح کرد که چرا با چنین وضعیت خبری مواجه هستیم؟ در يك گروه تلگرامی که ده‌ها تن افراد صاحب‌نظر در آنجا هستند، چند نفری بر این گزاره تاکید کردند که «روایت اول» را هر

کس گفته برنده است و پس از آن سخت است که این روایت را بتوان تغییر داد و حکومت در ارایه روایت اول ضعیف عمل می‌کند. به ذهنم آمد که این نظر را در عرصه عمومی نقد کنم، زیرا یکی از علل وضعیت ورشکستگی نظام رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی ایران وجود همین رویکردهاست. چرا؟ فرض کنیم که روایت رسمی از این رویداد صد درصد درست باشد. یعنی این دختر خانم مواجه با هیچ تذکر یا مشکل بیرونی مرتبط با حجاب نشده و صرفاً به علت افت فشار به زمین افتاده و سرش به جای نامناسبی اصابت کرده و به کما رفته است. فرض کنیم که برای جلوگیری از تبلیغات نادرست، صدا و سیما یا ایرنا یا روزنامه ایران و کیهان و همشهری و فارس و تسنیم، همین روایت رسمی را منتشر می‌کردند. آیا مساله حل می‌شد؟ قطعاً مساله بدتر می‌شد، زیرا اولین پرسش برای مخاطب این است که چرا چنین خبری با این سرعت منتشر شده است؟ حتماً کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. برای اطلاع باید گفت که اولین خبر در این باره در توییت کم‌خواننده‌ای است که ده ساعت پس از حادثه نوشته شده است و تازه او هم اصلاً به مساله درگیری و حجاب و این‌جور چیزها اشاره نکرده فقط گفته که «ایست قلبی دختر بچه‌ای دبیرستانی سر صبح تو مترو، مرگ همین قدر نزدیک و ناغافل است، همدیگر را دوست داشته باشیم.» حدود 5/3 ساعت بعد یک نفر دیگر که او هم کم‌خواننده است این توییت را کوت کرده و با هدف مسخره کردن نوشته: «شاید واستون جالب باشه بدونید مقنعه نداشته، یه خانم حجابی بهش گیر داده و با همدیگر بحث کردند و اینم یهو افتاده. فکر کنم خانم حجابی‌ها قدرت ماورایی دارند. (علامت خنده هم گذاشته)» وضعیت هر دو اکانت ناشناس و به نحوی است که شبهه‌ناک است. سه ساعت بعد ماجرا شروع می‌شود و توییت‌های سیاسی وارد میدان می‌شوند. یعنی ۱۶ ساعت پس از حادثه. از فردای حادثه این خبر برجسته می‌شود و ابتدا ایرنا گزارش می‌دهد. خبرنگار روزنامه شرق برای تهیه گزارش می‌رود که بازداشت و پس از چند ساعت آزاد می‌شود. در بیمارستان محدودیت‌های حضور برقرار می‌شود، کم‌کم پای پدر و مادر و دوستان و... این دختر خانم را از طریق رسانه رسمی باز می‌کنند و... تا به اینجایی که هستیم می‌رسیم. پس نه روایت اول چنین بود که کسی را متهم کند و نه اگر روایت اول را می‌دادند مشکلی را حل می‌کرد، زیرا کسانی که می‌خواهند به گونه دیگری روایت کنند، از همان روایت اول استفاده خواهند کرد. همچنان‌که پس از انتشار بخشی از فیلم‌ها بهره‌برداري‌ها از آن اوج گرفت. حالا بیایید فرض کنیم روایت دوم و غیررسمی درست بود. ساختار سیاسی چگونه برخوردی می‌کرد؟ به نظر نمی‌رسید که کاری غیر از همین‌ها که انجام شد را می‌توانستند انجام دهند. پس در هر دو صورت بازی را باخت‌اند. هنگامی که یک توییت در

این باره نوشتم و به فرآیند اطلاع‌رسانی ایراد گرفتم، کسی پرسید چه باید کرد. این پرسش را اینجا در فضای عمومی پاسخ می‌دهم. بیایید فرض کنیم که یک پیرمرد یا زن محبه با افت فشار مواجه شده و در شهر یا مترو دچار این وضع شود. سیاست رسانه‌ای رسمی چه کار می‌کند؟ هیچ. قرار هم نیست کاری کند. روزانه ده‌ها مورد از این حوادث رخ می‌دهد. اورژانس می‌تواند آمار آن را منتشر کند. اصولاً این مساله به لحاظ خبری چه ربطی به حکومت دارد؟ کاری که حکومت باید انجام دهد، چالاک کردن اورژانس و سریع آمدن به بالین مصدوم و بیمار و سپس انتقال به بیمارستان و درمان اوست. اگر قصور یا تقصیری هم وجود دارد به آنها رسیدگی شود و در برابر خبرنگاران نیز پاسخگو باشد. فیلم‌های موجود را در اختیار بگذارد، دسترسی به مسوولیت را تسهیل کند، گزارش خبری ماجرا به عهده رسانه‌هاست. از ابتدا هم باید بگویند این وظیفه نهادهای رسانه‌ای و خبرنگاران است. در این صورت کل مساله حل می‌شود و رسانه‌ها دنبال روایت نخواهند رفت، بلکه دنبال حقیقت می‌روند. شاید بگویید که آنها ممکن است شیطنت کنند. اول اینکه با بستن نظام اطلاع‌رسانی این شیطنت‌ها بیشتر و حتی مشروع می‌شود. دوم اینکه خبرنگاران از یک رسانه نیستند از تنوع گرایش بهره می‌برند و بالاخره اینکه خبرنگار می‌تواند و باید در برابر خبری که تهیه می‌کند هم به لحاظ حرفه‌ای و هم حقوقی پاسخگو باشد.

اگر این سیاست اجرایی شده بود، واقعیت ماجرای این دختر چه روایت اول بود و چه روایت دوم؛ نتیجه آن برای حکومت تغییر چندانی نمی‌کرد، زیرا روایت اول که فقط یک حادثه عادی است. حتی اگر روایت دوم هم باشد، مسوولیت آن متوجه فرد خاطی بود و تمام می‌شود. جالب است که در مجموعه پست‌های فضای مجازی که در این باره نوشته شده است سه گروه برجسته هستند؛ گروه براندازان که همگی بدون استثنا درصدد القای روایت دوم هستند. هر کدام هم از منظری توجیهی به دست می‌آورند. گروه دیگر طرفداران وضع موجودند که درصدد اثبات روایت اول و نقد و رد ادعاهای روایت دوم هستند. گروه میانه و اصلاح‌طلبان که در پی نقد فرآیند خبررسانی و توصیه به بهبود آن هستند. ما فقط از طریق بهبود فرآیندهای اطلاع‌رسانی می‌توانیم به حقیقت نزدیک شویم و الا تا ابد هم درباره یک اتفاق جدل کنیم به نتیجه نخواهیم رسید. روایت محوری ریشه بحران رسانه‌ای در ایران است. چه نزد حکومت و چه نزد مخالفان آن است.